

همیشه‌ها

کی شعر تر انگیزد خاطر که حزن باشد
یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد
حافظ

صفحه
آخر

سازمان آگهی‌ها و نیازمندی‌ها:
خیابان قائم‌قام‌فراهانی، میدان شمع، خیابان شهید خدروی
شماره ۲۹ - طبقه اول - تلفن: ۸۸۴۳۲۱۷۰ - ۸۸۴۳۱۸۱۹

توزیع و اشتراک:
موسسه نشر گستر امروزین
تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

همشهری: www.hamshahrionline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

چاپ: ماهری
تلفن: ۲۸۰۷۵۰۰۰

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (ج)، کوچه نورچ، شماره ۱۴
کدپستی: ۴۵۵۵۶ - ۱۹۶۶۶ تهران، صندوق پستی ۱۹۴۵۵۴۴
تلفن: ۳۳۰۳۳۰۰۰، شماره: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ حضرت امیر المؤمنین علی:
میوه شتابزدگی، لغزش است.

■ آذان ظهر: ۱۳:۰۱ ■ غروب آفتاب: ۱۹:۵۷
■ آذان مغرب: ۲۰:۱۷ ■ نیمه شب شرعی: ۰۰:۱۲
■ آذان صبح: ۴:۲۷ ■ طلوع آفتاب: ۶:۰۴

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: عبدالله گنجی
■ مدیر: دانیال معمار

باشگاه
نویسندگان

در طول زندگی



میشم قاسمی
روزنامه‌نگار

زندگی هر انسانی یک طول دارد
و یک عرض. اگر اهل خرید پارچه
باشید می‌دانید پارچه‌هایی که عرض

بیشتری دارند، بهتر هستند؛ یعنی دست‌سخت برای دوختن
لباس باز تر است و می‌تواند بدون نگرانی، قیچی‌اش را بگذارد پای
پارچه و جلو برود؛ چون طول قواره‌ها یکسان هستند و این عرض
است که تعیین می‌کند می‌توان به سادگی لباس مورد نظر را از دل
پارچه در آورد یا به قول خیاط‌ها باید «اوستا برسون» کرده زندگی
هم همین است.

طول زندگی انسان‌ها یکسان نیست اما ما توانایی چندانی در
افزایش آن نداریم. سال‌ها طول کشیده است که به واسطه رشد
علم، متوسط سن انسان‌ها افزایش یافته و با این حال همچنان
گریزی از انواع و اقسام بیماری‌ها و حوادث نیست و باز هم
انسان‌های زیادی در کودکی، نوجوانی و جوانی از دنیا می‌روند و
روزگار ببری را نمی‌بینند به همین دلیل است که عرض زندگی
مورد توجه انسان‌ها بوده و هست. این همه بند و اندرز درباره لذت
بردن از زندگی و رها کردن گذشته و آینده در نهایت معنی‌اش،
افزایش عرض زندگی است؛ تلاش برای استفاده بیشتر از زمانی
کوتاه که ابتدا و انتهایش در اختیار ما نیست.

اما زندگی در عرض زمان، نیاز به لوازمی دارد. کسی را تصور کنید
که به مدت یک هفته به همراه دوستان خود در ویلائی مانده است.
او می‌تواند تا سال‌ها خاطرات آن یک هفته را برای خود و دیگران
مرور کند؛ هر بار به زمانی و زاویه‌ای به و خدادهای آن روزها نگاه
کند. حتی مشکلات احتمالی هم بعد از مدتی در حکم خاطرات
جالب عمل می‌کنند. در مقابل اگر او یک هفته به تنهایی در آن
ویلا مانده باشد، احتمالاً از روز دوم در انتظار پایان یک هفته و
برگشتن به وضعیت معمول است و پس از آن هم چیز زیادی برای
تعریف کردن ندارد. بسیاری از ما در این روزها مدام به تقویم نگاه
می‌کنیم و روزهای باقی‌مانده تا پایان ماه را می‌شمیریم. به این امید
دیگران گرفتاریم نقد شوند. در حقیقت ما به دنبال گذشت سریع‌تر از
روزهای عمرمان هستیم به این امید که بتوانیم برای چند روز یا
چند ساعت، پولی در حساب خود داشته باشیم. ما به عرض زندگی
فکر نمی‌کنیم چون عرضی وجود ندارد. تنها طول زندگی است که
ما را به سرعت با خود می‌برد و سر که می‌چرخانیم می‌بینیم سال
به پایان رسیده. هر چند تمام تلاش ما برای افزایش عرض زندگی
است اما توانایی آن را نداریم. زندگی در عرض زمان لوازمی دارد.

از دو که حرف می‌زنیم

هدف: دویدن تا ابد



جواد نصرتی
روزنامه‌نگار

دونده‌ها به خوبی می‌دانند که
چرا دویدن را شروع کرده‌اند؛ یک
لحظه‌ای در زندگی، به هر دلیل، تکان
خورده‌اند و به خیابان و جاده و دشت و صحرا زده‌اند و همانجا
زندگی‌شان به عنوان دونده شروع شده؛ چیزی که دونده‌ها
نمی‌دانند این است که اصلاً چرا به دویدن ادامه می‌دهند.

دونده‌ها، بارها در سرمایه‌های سوزش استخوان را می‌سوزاند یا
گرما می‌کند؛ مغز را می‌چویند، در جاده‌های پیچیده و آسفالت‌های
ورم کرده از گرما، خودشان را لعن و نفرین کرده‌اند؛ همانجا
قرص قاطع به خودشان گفتند که بس است دیگر، این آخرین
تمرین بود و دیگر خلاص. کسی بعد از مدتی که تمرین تمام
می‌شود و فرمان پایان می‌آید و نفس‌ها مرتب می‌شوند، دنیا
یکبار ز زباتر می‌شود و شمارش معکوس برای تمرین پر فشار
بعدی از همان جا آغاز می‌شود. بخشی از این تمایل برای دویدن
دوباره، عهد و پیمانی است که دونده‌ها به شکل اعداد و اهداف
در ابتدای هر فصل با خودشان و مربی‌شان می‌بندند. نخستین

چیزی که هر مربی‌ای از شما می‌پرسد این است که هدفتان از
دویدن چیست. همه چیز، به ۵ کیلومتر شروع می‌شود. وقتی
۵ کیلومتر یا یک نفس بدوید، یعنی نیمی از راه را برای
۱۰ کیلومتر رفته‌اید و تمرین‌ها به آن سمت می‌رود. بعد نوبت به
نیمه‌ماراتن یا هاف‌ماراتن می‌رسد و خب هاف‌ماراتن مقدمه‌ای
بر ماراتن است. نهایت مسافت‌ها برای خیلی‌ها، همین جاست.

اما برای خیلی‌ها، ماراتن شعری بر ۶۰ و ۷۰ و ۱۰۰ کیلومتر
دویدن و فراتر از آن است. این اهداف و اعداد، در بعد مسافت
هستند. به موازات این دنیا، دونده‌ها در دنیای جاویدی زمان هم
تقلا می‌کنند. چه وقت ۵ کیلومتر را زیر ۲۵ دقیقه خواهم دوید؟
۱۰ کیلومتر زیر ۴۰ دقیقه که یکی از بزرگ‌ترین هدف‌های
انسان‌ها در سراسر دنیاست چطور؟ آیا به باشگاه نخبگان
غیر حرفه‌ای دنیا که ماراتن را زیر ۴ ساعت می‌دوند اضافه
خواهم شد؟ رابطه عقده‌مانند دونده‌ها با اهدافشان، بخشی از
دلیل همیشه دویدن آنهاست. وقتی به یک هدف می‌رسند،
هدف دیگری که مدت‌ها پس ذهنشان بوده اول صف می‌آید و
بازی دوباره صفر می‌شود. بدن انسان هم اثر خود را بر این تقلا
پایان‌ناپذیر برای دویدن و بیشتر دویدن دارد. دوندگان بعد از
دویدن‌های طولانی و پر فشار، حالتی از سرخوشی بی نظیری را

تجربه می‌کنند که به آن «شنگی دوندگان» گفته می‌شود. این
حالت، معمولاً بعد از چندین کیلومتر دویدن معمولاً پر فشار
پیش می‌آید و دلیل آن هم ترشح هورمون‌های خاصی در بدن
است. این حالت همیشگی نیست و میزان مسافت هم در افراد
مشابه نیست اما دونده‌ها، وقتی یکبار آن را تجربه کرده باشند،
همیشه در حسرت چشیدن وقتی دوباره لذت آن هستند. دلایل
دیگری هم هست که دونده‌ها را در سرما و گرما به جاده‌ها،
خیابان‌ها و پارک‌ها می‌کشاند. به سختی می‌توان یک دلیل
منسوخ را برای توجیه دویدن‌های همیشگی مشخص کرد
اما همه دونده‌ها بعد از یک دوی بسیار طولانی یا بعد از آنکه در
یک مسابقه به خط پایان می‌رسند، حسرت‌آمیزی را تجربه می‌کنند که
مخصوص خودشان است. شما تا درگیر

این زندگی سخت و طاقت‌فرسا و شیرین
نشود نمی‌توانید آن حس سرخوشی
و لذت را تجربه کنید. به قول آدها راند فین،
روزنامه‌نگار سرشناس انگلیسی
که چند کتاب درباره دویدن
نوشته، بعد از یک دویدن
طولانی، انگار همه چیز در دنیا
سر جای خودش قرار دارد
و همه چیز در صلح
کامل است.

اول آخر

رونق بازار در ماه شوال / بازار سنتی اهواز ■ عکس: فاطمه رحیموایان



جوجه در آشکده

نگاه
فاطمه عباسی
روزنامه‌نگار

در چند سال اخیر
فرهنگ حفاظت از
میراث فرهنگی و
آثار باستانی کشور

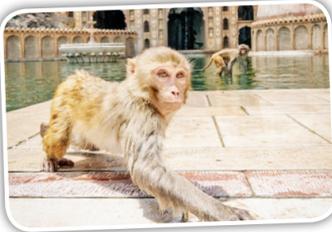
بالا رفته و حالا دیگر خیلی‌ها می‌دانند که بناهای قدیمی و تاریخی
جایی برای یادگاری‌نویسی و سکوپی برای عکس‌انداختن نیست، اما
همچنان مانند همه جای دنیا، هستند کسانی که در مقابل فهمیدن
مقاومت می‌کنند و با هر بار سفر به شهری دیگر، نشانی از بی‌فرهنگی
خود بر جای می‌گذارند که گاهی قابل جبران نیست. نمونه‌اش چند
گردشگری هستند که در تعطیلات عید فطر و در موسم گلابگیری
نیاسر، چارطاقی یا آشکده نیاسر را با لاجچق اشتباه گرفته و در این
بنای تاریخی بساط پیک نیک پهن کرده و حتی برای کباب در آنجا
منتقل گذاشته و آتش روشن کرده‌اند!

این درست است که مردم بعد از این همه آموزش و فرهنگسازی
باید بدانند که با میراث فرهنگی چطور برخورد کنند و آنقدر به این
میراث عرق داشته باشند که دیگر شاهد حکاکی و یادگاری‌نویسی
بر تن این بناهای تاریخی نباشیم، اما از طرف دیگر این وظیفه وزارت
میراث فرهنگی کشور است که از این گنجینه‌های نایاب و ارزشمند
محافظت کند تا از گزند و آسیب خرابکاران دور بماند. در بیشتر
شهرهای تاریخی جهان، آثار باقی مانده از گذشتگان به بهترین
نحو محافظت می‌شود و مردم نمی‌توانند به این میراث دسترسی
مستقیم داشته باشند، اما در کشور ما این آثار به راحتی دستخوش
تغییرات و آسیب می‌شود. حتی یک حفاظ برای برخی از این بناهای
خاص نصب نشده است.



گرینویچ

رد پای میمون در ماجرای قتل



راجستان: محاکمه یک قاتل هندی در شرایط عجیبی متوقف
شده؛ این اتفاق پس از آن روی داده است که یک میمون چند
مدرک مهم را قبل از رسیدن پرونده به دادگاه در زدید. این
میمون توانست یک بسته مهم حاوی ۱۵ مدرک از جمله یک
چاقو که سلاح قتل بود را بر بیاورد. به گزارش روزنامه تایمز هند،
در جلسه پیش از محاکمه این قاتل، وقتی قاضی از پلیس شهر
جیبور خواست مدارک مربوط به پرونده را ارائه کند، کارمندان
پلیس مجبور شدند به دادگاه اعتراف کنند که از زمان قتل در
سال ۲۰۱۶، یک میمون مدارک را حین جابه‌جایی روده است.
پلیس توضیح داد ماموری که مسئولیت حفاظت از مدارک را در
زمان انتقال آنها بر عهده داشت، تعلیق شد. به گفته پلیس اوس از
آن بازننشسته شد و سپس در گذشت. این پرونده به قتل شخصی
به نام شاشیکانت شارما مربوط است که جسدش در نزدیکی
ایستگاه پلیس در شهر جیبور، مرکز ایالت راجستان در شمال
غربی هند، کشف شد. خانواده مقتول ۳ روز قبل از پیدا شدن
جسدش از مفقود شدن او خبر داده بودند.

رابطه اوکراین و وایکینگ‌ها



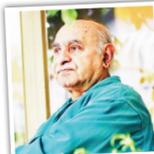
کی‌یف: به گفته باستان‌شناسان، تکه‌های بزرگ
جمجمه گراز درایی که در کی‌یف زیر خاک کشف
شده است، نشان می‌دهد وایکینگ‌ها با عاج این
جانور در منطقه‌ای که اکنون خاک اوکراین است
تجارت می‌کرده‌اند. به گزارش ایندپندنت، ۹ قهقه
بزرگ استخوان بوزه گراز دریایی در محوطه‌ای
خاللی در خیابان اسپاسکا ۳ کی‌یف؛ پایتخت
اوکراین کشف شده است. حفاری‌ها در این خیابان
که در قرون وسطی اسکله پر رونقی در کناره رود
دنیپر بود، یک دهه قبل پایان یافت، اما تحلیل
یافته‌های پیشین نظریه‌های جدیدی را در مورد
آن مطرح کرده است. درون لایه‌های از خاک که
قدمت آن به دهه ۱۱۰۰ می‌رسد، افزون بر تکه‌های
جمجمه، قطعه‌های حکاکی شده عاج گراز دریایی،
مفتول طلا، تکه‌های شیشه، شمشیر آهنی آلمانی و
هزاران استخوان جانور کشف شده است.

گرانی به آلمان رسید



دوسلدورف: جهش هزینه انرژی و مواد غذایی در آلمان،
رستوران‌ها و کافه‌ها را دچار مشکلات مالی کرده است.
صاحب رستورانی در حوالی دوسلدورف تصمیم گرفته
به جای بالا بردن قیمت منو، از مشتری‌ها به استثنای
بچه‌ها، ۳ یورو ورودی بگیرد. مواد غذایی در آلمان روزبه‌روز
گران‌تر می‌شود و کسانی که به رستوران می‌روند، باید
بیشتر خرج کنند. صاحب رستوران Cednics در شهر
راتینگن در نزدیکی دوسلدورف اما راه میان‌بر را انتخاب
کرده و به جای سرشکن کردن هزینه‌ها روی قیمت غذاها،
از مهمان‌ها ورودی می‌گیرد. ۳ یورو به ازای هر نفر و البته
ورود رایگان کودکان. در سایت این رستوران آمده است:
«میهمانان عزیز به دلیل هزینه‌های بسیار بالای خرید
مواد، سوخت و دستمزد، متأسفانه مجبوریم از هر نفر
۳ یورو ورودی بگیریم.» به گزارش دوپچه‌وله، رادیو
غرب آلمان WDR به نقل از این رستوران‌دار گفته است،
قیمت‌ها روزانه بالا می‌روند و سرویس دادن به مشتریان
با قیمت‌های سابق امکان‌پذیر نیست. قیمت گوشت و
سبزی ۳۰ تا ۵۰ درصد و روغن سرخ‌کردنی ۱۰۰ درصد
افزایش یافته است. هزینه سوخت نیز با افزایش محسوسی
رو به روست.

قصه‌گوی بزرگ



جمال یا حسین
میرصادقی متولد
۱۹ دی‌ماه ۱۳۱۲ است
و تا به امروز حدود ۴۳
جلد کتاب، رمان، داستان
بلند و نقد ادبی و مجموعه
مقالات، از او منتشر شده.
کتاب‌های فارسی خوانده، اما
مشاغل گوناگونی داشته
است: معلم، کتابدار در دانشسرای تربیت معلم، کارشناس

تقویم / زادروز

آزمون‌سازی در سازمان اداری و استخدامی کشور و مسئول
بخش اسناد قدیمی در سازمان اسناد ملی ایران. در دوره دراز
کار نویسندگی، داستان‌های کوتاه و بلند بسیار و چند رمان
نوشته که برخی از آنها به زبان‌های آلمانی، انگلیسی، ارمنی،
ایتالیایی، روسی، رومانیایی، عبری، عربی، مجاری، هندو،
اردو و چینی ترجمه شده‌اند. از آثار منتشر شده او می‌توان به
مجموعه داستان‌های «مسافرها شب»، «گل‌های تماشا و گل
زرد»، «این شکسته‌ها»، «نه آدمی - نه صدایی» و «روشان»
را نام برد. اما معروف‌ترین کارش رمان «شب چراغ» است
که موضوعش کودتای ۲۸ مرداد است. مهم‌تر از داستان‌ها و
رمان‌هایش، کتاب‌های آموزش داستان‌نویسی اوست. «ادبیات
داستانی»، «عناصر داستان»، «شناخت داستان» و «واژه‌نامه هنر
داستان‌نویسی» مهم‌ترین آثار او در این زمینه هستند.
غیررسمی شروع کرد. پس از انقلاب به توصیه دکتر شفیعی
کدکنی به تدریس در دانشگاه مشغول شد و هنوز هم در خانه و
مؤسسه‌های فرهنگی و هنری تدریس می‌کند و کسانی همچون
هوشنگ عاشورزاده، منوچهر کریم‌زاده، حسن اصغری، فرید
وفی و روح انگیز شش‌رخیان در کلاس‌های او شرکت داشته‌اند.
حاصل این جلسات نیز در مجموعه‌هایی با عنوان‌های داستان‌های
یکشنبه، دوشنبه، چهارشنبه و پنجشنبه منتشر شده است. او که
شاید بزرگ‌ترین مدرس داستان‌نویسی هم‌اکنون باشد، به‌وجود
پيام در داستان اعتقاد دارد و می‌گوید: «هر کسی دوست داشته
باشد داستان بخواند، می‌تواند نویسنده شود.»

مان

لطفاً مرا گردگیری کنید

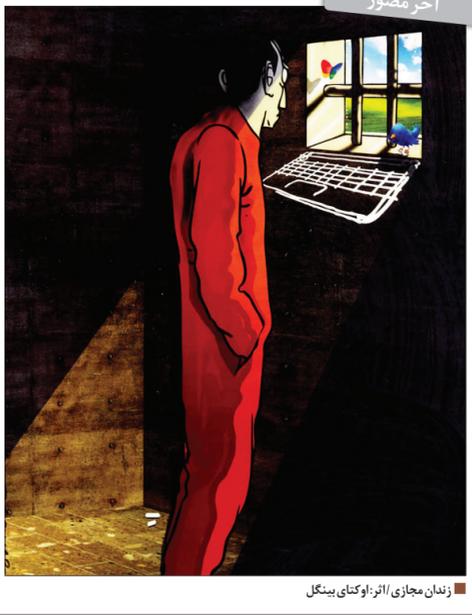


شیدا آسادی
بچه که بودیم بکی از
شوخی‌های بچه‌های



محل با آدم‌بزرگ‌ها نوشتن عبارت «لطفاً
مرا بشو بید» روی ماشین‌های کثیف
محل بود. آن موقع تعداد ماشین‌ها کم بود
و ماشین‌دارها به ماشین‌هایشان بیشتر
می‌رسیدند. یادم هست که روی داشبورد‌ها
همیشه چیزی پهن می‌کردند؛ پارچه یا
قلاب‌بافی‌های مختلف. به ایند ماشین‌ها
چیزی اویزان بود. جمبه دستمال کاغذی
توی ماشین همیشه تزیینی بود و ماشین‌ها
تقریباً همیشه تمیز بودند. غیر معمول نبود
که هر کسی را با هر شغلی که داشت ببینی
که صبح به صبح ماشینش را دستمال
می‌کشد. رسیدگی به ماشین طبیعی بود.
این روزها که تعداد ماشین‌های توی کوچه
و خیابان از تعداد آدم‌ها بیشتر است، دیدن
ماشین‌های کثیف هم طبیعی است. از طرفی
هوای شهر که قبلاً به دود آلوده بود، به سبزه
گرد و خاک هم آراسته شده و دیگر تمیز
نگه‌داشتن خانه و ماشین‌جزء محالات
ممکن نشده. در خانه انگار یک لایه غبار
دائمی شناور است که با نخستین سکون
هوای زمین، روی اثاثیه، روی میز و دیوار
و شیشه بنشیند؛ غباری که حتی اگر هر روز
هم گردگیری کنیم باز هم هست؛ رهایی از
آن ممکن نیست. نبرد با غبار، نبردی جاری
در خانه است؛ غباری که وقتی خانه روشن
باشد، به زیبایی در هوا می‌چرخد، بی‌رحمانه
منتظر فرصت غفلت ماست تا خانه را غرق
کند. این روزها در زندگی از پیش شلوغ ما،
دویدن‌های بیشتر توی خانه هم اضافه شده.

آخر مصور



زندان مجازی اثر: واکای بینگل

فراخوان

بی تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی
که می‌بینید، ما منتظریم تا نوشته‌های پتان
درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌ها بتان را برای ما ارسال
کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید چیتان اینجا
محفوظ است. متن با طرح تان که آماده شد یک تماشای با شماره
۲۳۰۲۳۶۶ بگیرد تا برای رساندنش به ما، راهنمایی تان کنیم.